

اهداف کلی آموزش زبان فارسی در پایه دوم متوسطه

الف) حوزه شناختی

انتظار می‌رود دانش‌آموزان با مطالعه این کتاب با مسائل و موضوعات زیر آشنا شوند :

- ۱) زبان فارسی معیار و نقش آن در زندگی و تحکیم ارزش‌های ملی، دینی و فرهنگی
- ۲) زبان و گفتار و تمایز آنها از یکدیگر
- ۳) خط و نوشتار و تفاوت آنها
- ۴) انواع نوشته و شیوه‌های تحقیق و مرجع‌شناسی
- ۵) نمونه‌هایی از زبان فارسی معیار و گذشته
- ۶) ساختمان کلمات و انواع آن
- ۷) نظام آوایی زبان فارسی

ب) حوزه نگرشی

انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در پایان یادگیری، به موضوعات زیر علاقه‌مند شوند :

- ۱) بیان نظرات و افکار در قالب گفتار و نوشتار
- ۲) به‌کارگیری صحیح زبان فارسی در زندگی
- ۳) پاسداری از زبان فارسی و تلاش برای ترویج و گسترش آن
- ۴) کاربرد مناسب مهارت‌های چهارگانه زبان فارسی

پ) حوزه مهارتی

انتظار می‌رود که در پایان یادگیری، توانایی‌های ذهنی و عملی زیر در دانش‌آموزان تقویت گردد.

- ۱) تشخیص جایگاه درست علائم نگارشی و ویرایشی
- ۲) مقایسهٔ زبان و گفتار، خط و گفتار
- ۳) تشخیص ساختار صرفی و نحوی در زبان فارسی معیار
- ۴) تشخیص انواع نوشته‌ها و مواد لازم برای نوشتن
- ۵) به‌کارگیری آموخته‌های مربوط به زبان فارسی در زندگی
- ۶) به‌کارگیری قواعد املائی و نگارشی به‌هنگام نوشتن
- ۷) ویرایش متون مختلف زبانی و ادبی
- ۸) مهارت در نگارش نوشته‌های رایج در زبان فارسی
- ۹) مهارت در تحقیق و پژوهش
- ۱۰) توانایی استفاده از منابع و مراجع
- ۱۱) مهارت در تهیه و تنظیم مقاله
- ۱۲) مهارت در تهیه گزارش‌های علمی و ادبی

زبان و گفتار

□ زبان و گفتار چه تفاوتی باهم دارند؟

□ منظور از نمود آوایی زبان چیست؟

حتماً برای شما هم پیش آمده است که هنگام گفتن جمله‌ای اشتباه کنید و بلافاصله

متوجه اشتباه خود شوید و آن را اصلاح کنید. این دوگانگی را چگونه می‌بینید؟

اگر جمله اشتباه، ناشی از ناآگاهی شما از قواعد زبان فارسی بود، چرا بلافاصله

متوجه آن شدید و اگر ناشی از ناآگاهی شما نبود، چرا آن را به کار بردید؟ زبان‌شناسان برای

حلّ این دوگانگی از تمایز میان **زبان** و **گفتار** یاد می‌کنند.

بر اساس این تمایز، **زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان است. حال آنکه گفتار فقط**

نمود آوایی این توانایی است. ما حتی در مواقعی که سخن نمی‌گوییم یا به سخنان دیگران

گوش نمی‌دهیم، باز هم از توانایی زبان برخورداریم. در مواقعی هم که در حال فکر کردن



هستیم، بی گمان از زبان بهره می گیریم؛ بی آنکه ضرورتاً پای گفتار در میان باشد. زبان شناسان معتقدند زبان به عنوان یک توانایی ذهنی است که در آن هیچ گونه اشتباهی وجود ندارد. تنها در گفتار ممکن است اشتباه پدید آید. از این نظر، زبان مثل جدول ضرب است که خالی از هرگونه خطا و اشتباهی است و گفتار مثل عمل ضربی است که ما با استفاده از جدول ضرب انجام می دهیم که امکان بروز اشتباه و خطا در آن هست. اشتباهاتی که در گفتار پدید می آید، ناشی از عواملی نظیر خستگی، بی حوصلگی، حواس پرتی و اضطراب یا دیگر عوامل محیط است.

اکنون می توانیم دوگانگی بالا را به کمک همین تمایز زبان از گفتار این گونه حل کنیم که بگوییم اشتباه در **گفتار** رخ می دهد و رفع و اصلاح آن به وسیله **زبان** صورت می گیرد. اما این تنها فایده ای نیست که از تمایز زبان و گفتار حاصل می شود. فایده دیگر این تمایز آن است که به کمک آن نشان می دهیم کسانی هم که به طور مادرزاد یا به سبب تصادف از قدرت گفتار بی بهره اند، به هیچ وجه از نعمت زبان محروم نیستند؛ مثلاً، ناشنویان از توانایی ذهنی زبان به اندازه افراد دیگر برخوردارند؛ جز اینکه به هنگام استفاده از آن به جای **نمود آوایی** یا گفتار از **نمود حرکتی** (حرکت دست ها و لب ها) کمک می گیرند.

فعالیت

با اجرای یک پاتنومیم (نمایش صامت)، درباره تفاوت میان نمود آوایی و نمود حرکتی زبان گفت و گو کنید.

فایده سوم تمایز میان زبان و گفتار این است که براساس آن نشان می دهیم که چرا گوناگونی های سبکی و لهجه ای و حتی گویشی به یگانگی زبان آسیب نمی رسانند. علت این امر آن است که گوناگونی های یادشده عمدتاً به گفتار مربوط می شوند نه به زبان. البته نکته آخر در مورد گویش ها به طور صددرصد صادق نیست؛ چون – همان طور که در درس های سال پیش دیدیم – دامنه تفاوت های گویشی از گفتار فراتر می رود و به زبان می رسد. چرا که گویش ها از نظر قواعد دستوری و نوع کلمات نیز باهم فرق دارند. به همین دلیل، ممکن است سخن گویان گویش های مختلف در فهم سخنان یکدیگر با اشکال روبه رو شوند.

آنچه تاکنون درباره آن سخن گفتیم، به رابطه زبان و گفتار مربوط می‌شود. اکنون باید پرسید که رابطه زبان با **نوشتار** و **خط** چگونه است و آیا خط و نوشتار هم مثل گفتار، در معرض اشتباه یا تنوع و گوناگونی است یا مثل زبان، از اشتباه و تنوع به دور است؟ در درس‌های بعد به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد.

بیاموزیم

کدام جمله صحیح است؟

الف) دامن زدن به دویت‌ها موجب شکست می‌شود.

ب) دامن زدن به دوگانگی‌ها موجب شکست می‌شود.

کلمه «دو» فارسی است و نباید از آن کلمه «دویت» ساخت.

در زبان فارسی کلماتی مانند «بشریت»، «انسانیت» و «مدیریت» به کار

می‌روند؛ زیرا «بشر»، «انسان» و «مدیر» کلماتی عربی هستند و این قبیل کلمات

می‌توانند با نشانه «یت = تیه» (مصدر ساز) عربی همراه شوند. بشریت (= بشریت)

به معنی بشر بودن است و ... اما صحیح نیست که «یت» مصدر ساز عربی را

با کلمات فارسی مانند «دو»، «خوب»، «شهر»، «رهبر»، «خود»، «آشنا»، «من»

و ... همراه کنیم و مصدر بسازیم.

خودآزمایی

- ۱) تمایز زبان و گفتار را با قواعد شطرنج و بازی شطرنج مقایسه کنید.
- ۲) چگونه می‌توانیم ثابت کنیم که ناشنویان از توانشِ زبانی برخوردارند؟
- ۳) فواید تمایز میان زبان و گفتار را در یک بند بنویسید.
- ۴) چرا به کار بردن کلماتی چون «آشناییت»، «خوییت» و «ایرانیّت» درست نیست؟ شکل درست این کلمات را بنویسید.

جمله

نهاد، گزاره

سال گذشته با جمله آشنا شدیم و آموختیم که :

جمله سخنی است که از نهاد و گزاره تشکیل شده است و نهاد دو گونه است :

نهاد جدا و نهاد پیوسته

نهاد جدا گروه اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می آید و اغلب می توان آن

را حذف کرد.

نهاد پیوسته همان شناسه است که شخص و شمار فعل را تعیین می کند و قابل

حذف نیست.

جمله

گزاره		نهاد
نهاد پیوسته		نهاد جدا
یم	به ادبیات غنی و پر بار خویش می بالـ	ما

جمله های زیر را با هم بخوانیم :

- موفق و سر بلند باشید^۱.
- هم کلاسی های امروز ما، دوستان صمیمی فردای ما هستند.
- قدر زندگی را بدانیم.
- سخت کوشان از هیچ مشکلی نمی هراسند.

۱- اگر در جمله نهاد جدا، نباشد، در نمودار به جای آن، نشانه «-» می گذاریم.

- - راز موجودات جهان را از که پرسیم؟
- دانش‌آموزان از خواندن کتاب‌های خوب لذت می‌برند.

فعالیت

الف) جمله‌های صفحه قبل را به دو قسمت نهاد و گزاره تقسیم کنید و نمودار بنویسید.

ب) نهاد جدا و پیوسته آنها را پیدا کنید.

می‌بینیم که بین نهاد جدا و پیوسته جمله‌های بالا از نظر **شخص و شمار** هماهنگی است.

اکنون جمله‌های زیر را در نظر بگیرید :

- ۱) حضرت پیامبر (ص) پس از فتح مکه دشمنان شکست خورده را بخشیدند.
 - ۲) همین نهال‌های کوچک روزی میوه خواهد داد.
 - ۳) این ظرف‌ها شکستنی است.
 - ۴) هریک از شاعران نامدار ایران مثل ستاره‌ای در آسمان ادب فارسی می‌درخشند.
- تفاوت این جمله‌ها با جمله‌های پیشین در چیست؟
تفاوت در این است که نهاد جدا با پیوسته از نظر شمار یکی نیست. این تفاوت در مواردی رایج است و می‌توان فعل چنین جمله‌هایی را **مفرد** یا **جمع** به کار برد.

مطابقت نهاد جدا و پیوسته

اصل این است که نهاد جدا، با شناسه مطابقت کند اما استثنا هم دارد.

- ۱) **برای احترام** : جمله شماره ۱ ؛ نهاد مفرد ← شناسه جمع
- ۲) **برای نهاد غیرجاندار** : جمله شماره ۲ و ۳ ؛ نهاد جمع ← شناسه مفرد یا جمع

۳) برای برخی اسم‌های مبهم مثل: هیچ‌یک، هیچ‌کدام، هریک: جمله شماره ۴؛ می‌توان شناسه جمع یا مفرد آورد.

۴) برای اسم‌های جمع مانند واژه‌های گله، رمه، کاروان و قافله در صورتی که نهاد واقع شوند، فعل مفرد به کار می‌رود.

اگر نهاد جمله به یکی از شکل‌های زیر بیاید، فعل آن چگونه خواهد بود؟

تو و حسن ...

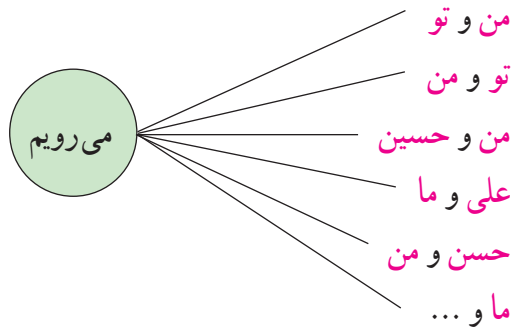
حسن با تو ...

حسن با عمویش ...

برای یافتن پاسخ، به موارد زیر دقت کنید:

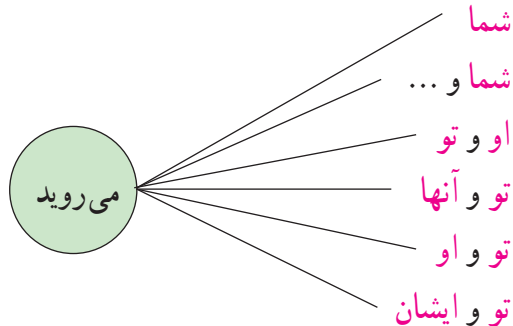
اگر من یا ما همراه شخص دیگری، نهاد قرار گیرد، فعل به صورت اول شخص

جمع می‌آید:



اگر تو یا شما همراه شخص دیگری - جز من و ما - نهاد قرار گیرد، فعل به صورت

دوم شخص جمع می‌آید:



اگر به جای «و»، «با» بیاید، فعل با کلمه پیش از «با» مطابقت می کند؛ زیرا آنچه پس از «با» می آید، جزء نهاد نیست.

من با ... (و...) می روم.

تو با ... می روی.

او با ... می رود.

بیا موزیم

کدام جمله را ترجیح می دهید؟

الف ابوعلی سینا حکیمی نامی بود.

ب ابوعلی سینا حکیم نامی ای بود.

در صفت هایی مانند: صمیمی، رنگی، قوی، متقی، مساوی و نامی که مختوم

به «ای = i» هستند، بهتر است «ی» به موصوف افزوده شود.

بنابراین جمله «الف» بهتر است. چند مثال دیگر:

من از دوستی صمیمی برای مشورت کمک گرفتم (به جای دوست صمیمی ای).

ثا در این صفحه کتاب، عکس رنگی نمی بینید (به جای عکس رنگی ای ...).

گاهی با اضافه کردن یک صفت دیگر، چنین جملاتی را به شکل معمولی آنها می‌نویسیم؛ مثال: من از دوست صمیمی و مخلصی برای مژورت لگ‌گرفتم. شما در این صفحه عکس رنگی مناسبی نمی‌بینید.

خودآزمایی

(۱) در متن زیر، این تمرین‌ها را انجام دهید.

(الف) نمودار ساده هر جمله را رسم کنید و جمله‌ها را زیر نمودار بنویسید.

(ب) نهاد جدا و پیوسته جمله‌ها را مشخص کنید و بنویسید در کدام جمله‌ها، نهاد جدا با پیوسته مطابقت ندارد. دلیل عدم تطابق نهادها را بنویسید.

آنس بن مالک می‌گوید: روزی رسول اکرم (ص) به خانه مادرم آمدند. برادر کوچکم، ابوعمیر، سخت دل‌تنگ و اندوهگین بود. حضرت رسول (ص) علت دل‌تنگی برادرم را از ما پرسیدند. مادر گفت: ابوعمیر پرنده زیبایی داشت که غالباً با آن سرگرم می‌شد. اینک آن پرنده مرده است. رسول اکرم (ص) نیز اندوهگین گردیدند.

(۲) برای جمله‌های زیر، فعل‌هایی با شناسه مناسب بیاورید و رابطه شناسه را با نهاد از نظر شمار بررسی کنید.

مثال: علی و مسعود با هم به دبیرستان رفتند (نهاد جمع ← شناسه جمع)

□ علی و مسعود با هم به دبیرستان (رفتن).

□ بسیاری از انسان‌ها از نظر رنگ و نژاد و زبان با هم اختلاف (داشتن) اما از نظر اصل انسان بودن با هم مشترک (بودن).

□ در قرن چهارم هجری، ملت ایران با تکیه بر زبان و فرهنگ خود درخت تازه اما اصیلی را (پروردن) که در آب و هوای اسلام پرورش (یافتن).

□ ملتی که طالب استقلال سیاسی (بودن)، به زبان ملی خود سخن (گفتن).

□ ما و فردوسی با وجود هزار سال فاصله زمانی، با زبان فارسی پیوندهایی مشترک (داشتن).

□ با دیگران چنان رفتار (کردن) که دوست داری دیگران با تو رفتار (کردن).

□ کتاب‌ها از دستم رها (شدن) و بر زمین (افتادن).

□ امیر با دوستش جمعه‌ها به کوه نوردی (رفتن).

(۳) تفاوت زبان و گفتار را در یک بند بنویسید.